

جنايات عجيب

عجيب بودن اين جنايات از نظر نحوه ارتكاب و يا اهميت اين جرائم نيست بلكه از نظر غيرعادي بودن علت ارتكاب ميباشد .
در جرايم عادي و معمولاً يكي از علل چهارگانه زير باعث ارتكاب جنايات ميباشد .

۱ - دفاع (دفاعي كه برحسب ضرورت و براي دفاع از نفس و ناموس و مال ميباشد ب مجازات نميرسند) ولي دفاعهاي ديگر وجود دارد مانند دزدی كه در داخل منزلي دستگير ميشود و براي نجات خود صاحبخانه را ميكشد يا يك نفر زنداني كه مستحفظ خود را بقصد فرار ميكشد و امثال آن
۲ - احتياج و لزوم احتياج بمعناي عام كلمه يعني لزوم و يا تصور لزوم چيزي براي خود از موردی كه شخص براي حفظ حيات خود و فرزنداناش كه از پا درآمده و لقمه ناني ميدزدد و قابل برائت است بگذريم احتياجاتي است فرضي و خيالي . شخصي تصور ميكند چيزي را لازم دارد و براي بدست آوردن آن مرتكب جرم ميكند - رد كلييه جرايم سرعت و كلاهبرداريها وغيره مشمول آن ميگردند .

۳ - غضب و شهوت و احساسات شديد Passion
جرائمی كه از روي غضب كينه انتقام عشق و حسد و احساسات سياسي و مذهبي ارتكاب ميشوند از اين قبيل هستند .

۴ - ديوانگي - بسياري از جرايم در اثر جنون واقع ميشود و طبيع قانوني تشخيص ميدهد كه تا چه ميزان مجرم مسئوليت دارد و يا مبري از مسئوليت است .

از اين چهار علت كه بگذريم جرائم ديگري اتفاق افتاده و مي افتد كه علت آن بهيچوجه معلوم نيست و اغلب شده است كه دادرسان چون موفق ب كشف علت نشده اند متهم را تبرئه کرده اند . اگر ديوانگي را هم علت اين جرايم بدانيم ديوانگي نوع خاصي است يعني يكنوع نيمه ديوانگي است . حدفاصل بين عقل و جنون زياد مشخص نيست . آدم عاقلی كه تمام گفته ها

و کرده‌هایش با موازین عقلی کامل صدق‌کنند نادر و بل معدوم است. هر کدام از ما لحظه‌هائی در زندگی خود داریم که دچار غضب و یا احساسات شدید دیگری میشویم که در آن لحظات از حال عادی خارج هستیم و یا در اثر سوء هضم یا بدی جریان خون و اختلالات مزاجی دیگر افکار و روحیه مان تحت تاثیر واقع و غیر منظم میشود و تعقل ما سالم نیست بهمین جهت است که همیشه گفته اند در حال غضب نباید اقدام بکاری کرد و یا تصمیمی گرفت. حال مزاجی در فکر و روحیه ما تاثیر زیادی دارد بعلاوه تمایلات و هوسهای عجیبی در بعضی اشخاص دیده میشود که نمیتوان دیوانگی شمرد هر چند بدبوانگی - نزدیک هست و این عادات اغلب از کودکی و بتدریج در بعضی افراد راسخ شده و ممکن است بدرجه‌ای شدت کند که باعث ارتکاب جرایم نیز بشود.

این احساسات عجیب و یا تمایلات مخفی و نهفته در کینه بعضی افراد و لذت بردن از امور خاصی که بعضی انواع آن بشرح زیر میباشد: حمایت اسرار آمیز Mystique شهوت و تمایلات جنسی که از حال طبیعی خارج شده زیرا اقلان نگاشته‌اند Refoulement عشق به بازی و بازیگری. لذت بردن از بدکاری.

یک مثال برای جنایت اسرار آمیز از کتاب دکتر آدموندلو کار جلد هفتم صفحه ۱۴۶ نقل میکنم: در شهر لیون زن و شوهری در وسط شب به سینما میروند نمایش موقعی اطاق سینما تاریک بود ناگهان شوهر می بیند که زنش بطرف جلو خم شد نزدیک میشود که او را راست کنند می بیند خنجر در پشت او فرو رفته است نمایش بهم میخورد قاتل دستگیر و اقرار بارتکاب میکند قاتل نه آن زن و شوهر را می شناخته یا هرگز دیده است نه محل اقامت آنها را می شناخته هیچ دلیلی بر ارتکاب دیده نمیشود و قاتل هیچ اثری از جنون نیز نشان نمیدهد معلوم میشود یک نفر کاسب معتبر و خوشنام و با خدائی است. بالاخره بعد از محکوم شدن با اعدام بجرم خود بدین طریق اقرار میکند: « من نمیخواستم هیچ گناهی مرتکب شوم ولی چندی بود در خود احساس میکردم که تمایلی ببدکاری دارم ترسیدم که حال عصمت از من برود و دامنم آلوده بگناهی گردد. خود کشی هم گناه بزرگی است. لذا تصمیم گرفتم گناه فاحش، قتل را مرتکب شوم و قبل از اعدام توبه کم و بدین طریق پاک و بیگناه به بهشت بروم »

قانع شدن تمایلات جنسی - اگر چه عقاید فرود عالم مورد انتقادات زیادی واقم شده ولی کلید بسیاری از جرایم را بدست ما میدهد علت ارتکاب خیلی از جرایم قانع نشدن تمایلات جنسی است خیلی از قتل‌ها که بوسیله سم خوراندن صورت میگیرد و افترا بوسیله کاغذ بی امضاء و جرایم دیگر اغلب بوسیله دخترانی که بی شوهر مانده و پیر شده اند و یا زنهایی که تمایلات و شهوات آنها تسکین نیافته (بعلم مختلف که بحث آن از موضوع ما خارج است) و یا پیرزن‌های خرمقدس ارتکاب میشود اینها اغلب کینه و حسد شدیدی نسبت بمنسوبین نزدیک خود که خوشبخت تر هستند در دل میگیرند و حس انتقام سختی در آنها بجوش میآید و مرتکب جرم میگردند

عشق به بازی - عشق به بازی را اغلب مخصوص بچه‌ها می دانند در صورتیکه اشخاص بزرگ نیز شهوت بازی را دارند. طبیعتی که حساب مریضهای خود را نگه میدارد و هر سال و هر ماه مقایسه با سال و ماه دیگر میکنند بدون اینکه ذره‌ای از پول خود استفاده کند. سرمایه‌داری که میلیونها ثروت انباشته میکند. کلکسیونرها بطور کلی. عشق به تمبر و کتاب و انواع چیزهای مختلف. اینها جز یکنوع عشق به بازی چیزی نیست. همین عشق باعث ارتکاب بعضی سرقت‌ها و جرایم دیگر شده است ثروتمندی که اقدام بسرقت يك کتاب برای کتابخانه خود میکند در صورتیکه میتواند صدها جلد آنرا بخرد. و امثال آن

تنها بچه‌ها نقش دزد و دزدی بازی نمیکنند موارد زیادی دیده شد است که اشخاص خیلی ثروتمند اقدام بدزدی چیز خیلی کم بها میکرده‌اند هیچ دلیلی بردزدی آنها نمیتوان آورد جز اینکه نقش دزد را میخواسته اند بازی کنند از عمل دزدی مثل يك بازی لذت میبرده‌اند مثلاً ثروتمندی که از باغچه همسایه دو عدد کلم میدزدیده‌است در صورتیکه در باغچه خود صدها کلم داشته و این شخص هم آدم ممسك و خسیسی نبوده‌است يك خانم بسیار ثروتمندی در شهر لیون از يك مغازه يك جارچراغ میدزد در زیر لباسش پنهان میکند جار بزمین میافتد و دستگیر میشود.

جرم برای خاطر جرم - بعضی مجرمین دیده شده‌اند که جرم را فقط برای اینکه جرم‌است و ممنوع است مرتکب میشوند از ارتکاب جرم لذت میبرند یا از نشان دادن قدرت خود در مقابل قدرت اجتماعی

وقوه قوانین در پیش نفس خود محفوظ میشوند بعضی آنارشیزست‌ها و اشخاصیکه باتمام وسایل میخواهند نظم اجتماعی را برهم زنند راه آهن را از خط بیرون میکنند پل‌ها را با دینامیت خراب میکنند از این نوع می باشند .

شاگرد دوافروشی با اسم باستره در دواخانه‌ای کار میکرد زن صاحب دواخانه و چند نفر از کارمندانش بحال تهوع و درد دل سختی مبتلا شده و مردند صاحب دواخانه تغییر کرد باز همینطور یکی بعد از دیگری زن و خواهر و کارگرا همه مریض شده و میمردند آنهایی که دواخانه را ترك کرده جای دیگر و یا بشهر دیگر میرفتند خوب میشدند. شاگرد دوافروش تعقیب میشود هیچ علتی برای ارتکاب بدست نمیآید نه حس انتقام و کینه جوئی نه امید نفعی نه حالت جنون و اختلالی در او ملاحظه میگردد تعداد جنایت‌ها به سیزده میرسد و تمام بواسطه ارسینک که در نمک طعام آمیخته بود مسموم شده بودند بالاخره شاگرد دوافروش تبرئه میشود.

خانمی بنام ژان و بر متهم میشود باینکه طفل یکساله برادرش را کشته و در ضمن شاکی میگوید که این زن دو طفل دیگر از برادر دیگر و اطفال خودش را نیز کشته است طبیب قانونی تشخیص خفگی نمیدهد و مواد سمی هم در مرده‌ها پیدا نمیشود و متهم تبرئه میگردد .

چندی بعد یک نفر شیرفروش طفلش را باو می سپارد چند لحظه بعد جان میسپارد. در منزل شخصی برای اطفال نگاهداری وارد میشود طفل کوچکی که در رختخواب ژان و بر می خوابیده حالش بهم خورده میمیرد یکی از پزشکان مرك را بر اثر خفگی تشخیص میدهد ولی پزشك دیگر علت را حصبه تشخیص میدهد و متهم تبرئه میگردد. ژان و بر تغییر اسم و شهرستان داده وارد هتل میشود و از صاحب هتل تقاضا میکند که طفل ۶ ساله اش را بدهد در اطاق او بخوابد طفل صبح زود با زهم بهمان طریق میمیرد این دفعه پزشك صریحا عقیده بر خفه کردن طفل میدهد و ژان و بر هم اقرار بر کشتن این طفل و سایر اطفال دیگر میکنند.

ایندو مورد (دوافروش و ژان و بر) را میت-وان گفت جرم برای خاطر جرم است.

این تعبیر بنظر بعید میآید ولی اگر موارد حد وسطی را در نظر بگیریم مطلب آسان میشود .

آتشبازی از تفریح‌های عمومی است که باعث تحسین و تفریح اطفال و اشخاص بزرگ همیشه بوده و هست از نگاه شعله‌های رنگارنگ و صدای فشفشک‌ها و امثال آن همه خوشنود میشوند عشق بدیدن آتشبازی گاهی بجائی میکشد که کسی در گوشه جنگل چوب‌وهیزم روی هم گذاشته و آتش یزرگی روشن کند و بتماشای آن وقت بگذرانند این عشق گاهی بحد بالاتری رسیده و باعث آتش‌زدن به جنگل و خرمن مردم و حتی کار بجنایت بزرگ سوزاندن منازل مسکونی نیز رسیده است.

آقای ارموند لوکار مینویسد که شخصا بکنفر دواسازرا می‌شناسد که آدمی درست و نجیب و عاقل است و هیچ نقص اخلاقی ندارد تنها تفریحش اینست که راه آهن کوچکی در اطاق خود ساخته و لکوموتیوهای کوچک را در جهت مخالف هم حرکت میدهد و موقعی که اینها بهم می‌خورند از تماشای آن مست‌لذت میشود و میگوید بین این دواساز و جانی معروف ماتوسکا که تمام عمر خود را صرف ایجاد تصادم بین واگون‌های راه آهن میکرد و افراد زیادی را بکشتن میداد و خودش هم در یکی از این تصادفات کشته شد از حیث طبیعت و نوع لذت بردن فرقی نیست هر دو از بهم خوردن ماشین‌ها لذت میبرند اختلاف در شدت وضعف است. اگر بکسی لکوموتیو-هایش مختصر خدش‌های وارد می‌ساختند دواساز نمیتوانست قطعا تحمل کند در صورتیکه ماتوسکا بواسطه نداشتن مبانی اخلاقی و احساسات بشری از قتل صدها نفر هم پروا نداشت.

درشکار دیده شده است که بعضی باندازه احتیاج صید میکنند و بعضی حریص در کشتن حیوانات هستند و هر حیوانی که پیش آمد و هر قدر که شد میکشند طفلی که شکم گربه پاره میکند و حیوانات را آزار میدهد این شکل ابتدائی و ساده جنایت است.

باری علاوه بر علل عادی جرائم موارد استثنائی دیگری هست که علل عجیب‌تر و دور از فهمی برار تکاب میباشد آن علل را باید جستجو و کشف کرد البته وکیل دادگستری برای تحصیل برائت موکل خود فوری استدلال بردیوانگی میکند ولی این موارد که در بالا گفتیم دیوانگی صرف نیست. دیوانگی که سلب مسئولیت جنائی بکند نیست بنا بر این موضوع قابل نهایت تأمل و دقت است.